

هاشمی را باید در دستگاه انقلاب اسلامی ارزیابی کنیم

همجه‌هایی در دوران دوم خرداد ۷۶ به صورت ناجوانمردانه علیه آقای هاشمی انجام می‌گرفت. انسان نگران می‌شود کسانی که قبلا جلودار اظهار این اهانت‌ها بودند، یک روز برای دفاع از آقای هاشمی آستین بالا زدند که البته این هم یک طراحی و وجه دیگری از اهانت‌ها و سرکوفت‌زدن‌هاست. آقای هاشمی را باید در دستگاهی ارزیابی کنیم که سروتش معلوم باشد. این دستگاه، دستگاه انقلاب اسلامی است. آقای هاشمی فقط در این دستگاه ارزیابی می‌شود و خارج از آن نمی‌شود آقای هاشمی را تحلیل کرد؛ حتی اگر وقتی می‌خواهیم ضغنی را بشماریم که برای همه آدم‌ها متصور است، باید در نسبت با خود انقلاب بگردیم.

حضرت آقا عشق هاشمی بود

نسبت شخصی آقای هاشمی با حضرت آقا همین است. حضرت آقا، عشق ایشان بود. در دیدار و ملاقاتی که بعد از عمل جراحی حضرت آقا ایشان به ملاقات رفته بودند، فرد کاملا این رابطه عاطفی سنگین و صمیمانه را حس می‌کرد. علی‌ای حال آقای هاشمی چهره‌ای است که الان جز شخصیتی مثل حضرت آقا شاید نباشد که بتواند جزئیاتی را که در طول دوران طولانی مبارزه و زندگی همراه با مسئولیت خطیر سپری شده توصیف کند؛ یعنی همه دیگران شاید فقط از دور، دستی در غوغای عاطفی و اعتقادی داشتند، ولی کسی مثل آقا است که می‌داند آقای هاشمی چه کار کرد و در چه صحنه‌هایی حاضر بود و حتی اگر بنا باشد کسی بیاید آسیب‌شناسانه هم راجع به این دوره سپری شده حرف بزند، با فردی است که مثل حضرت آقا باید این اشراف را داشته باشد.

گزاره نیست بگویم نام هاشمی بانام انقلاب عجب شده است

معقدهم که گزاره نیست اگر بگویم نام آقای هاشمی بانام انقلاب عجب شده است. این چیزی طبیعی و عادی برای کسانی است که نسبت واقعی با انقلاب داشتند و آقای هاشمی را همیشه در آن سیما می‌بینند. آقای هاشمی که برای انقلاب زحمت کشیده و شکنجه شده و زیر شکنجه حاضر نبوده، اهانتی را که عنصر خبیث ساواکی از او می‌خواستند به امام بگوید، نمی‌کرده است. این را از شاهد عینی آن ماجرا شنیدیم. آقای هاشمی چنین فردی است.

هم پیوند عاطفی، هم پیوند اعتقادی

یک وقتی در مجمع به دلیل ماجرای که اتفاق افتاده و جسارتی به امام شده بود، مفصل درباره امام سخن گفت. مرسوم بود در جلسات غالبا موقعی که دل و دماغ بیشتری داشت، قبل از شروع به کار مجمع بحث‌روزی را مطرح می‌کرد. چند بار از این جلسات با مدح و ثنایی از جریان اصیل انقلاب یعنی حضرت امام (ره)، حضرت آقا همراه بود، یعنی این ابراز وفاداری با اصل حرکت و همراهی با پیشوا و قائد انقلاب چه در گذشته و چه امروز همیشه و علی‌الادام با ایشان همراه بود. فکر کنم آخرین تصویری که از در کنار هم بودن این بزرگواران در قاب ذهنمان نشسته است. در دیدار روز میلاد حضرت رسول اکرم (ص) یعنی ۱۷ ربیع الاول بود که لاقلا ما خبر نداریم بعد از آن دیدار، دیدار دیگری هم از این حضور رفیقانه آقای هاشمی کنار رهبر انقلاب وجود داشته است یا خیر.

خاطرم هست آقای هاشمی در شهادت مرحوم شهید بهشتی و یارانش، متن سوگنامه خیلی جان‌گدازی را با قلم زیبایی نوشته بودند. این پیوند، هم بعد عاطفی و هم بعد اعتقادی داشت؛ یعنی اشتراک این شخصیت‌ها در باطنی است که آن‌ها را حق می‌دانستند، از گذشته‌های دور شروع شد و در کوران حوادث مربوط به انقلاب جوهر انقلابی این شخصیت‌ها همین طور برجسته‌تر و پولاد وجودشان آبی‌ده‌تر می‌شد. اگر زندان رفتن بود، یا حبس بودند. اگر تحمل پنج‌هایی از جنس توهین و اهانت‌ناदानان و اغیار بود، برای همه آن‌ها بود و اگر حضور مؤثر در کنار امام (ره) بود، برای همه این بزرگواران بود.

تصویر کاریکاتوری از هاشمی خیلی زود خودش را رسوایی کند

نباید راه را اشتباه برویم

تصور می‌کنم نباید راه را اشتباه برویم. نسبت نیروهای وفادار به انقلاب و ارزش‌های متعالی نظام و در رأس آن بحث ولایت با آقای هاشمی، به مراتب بیشتر از کسانی است که پاینده هیچ کدام از این مواضع نیستند. اگر مثلا جزای شخصیت ایشان را تجزیه کنیم، از ۲۰ شاخص معرف ایشان؛ بچه‌های انقلاب لاقلا در ۱۸ مورد با ایشان مشترک هستند.



عکس: نسیم

صفا هرندی با اشاره به ابعاد مختلف شخصیت آیت‌ا... هاشمی گفت

هاشمی، توانمند در ستیز با جبهه کفر

قسمت دوازدهم برنامه جهان آرا در حالی روی آنتن سیمارفت که قرار بود قسمت دوازدهم برنامه جهان آرا با حضور ابوالقاسم طالبی راجع به فیلم سینمایی «یتیم‌خانه ایران» روی آنتن شبکه افق برود؛ متاثر از درگذشت آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی تغییر موضوع داده تا این قسمت از جهان آرا حول محور این حادثه اجرا شود. صفا هرندی، عضو تشخیص مصلحت نظام میهمان این برنامه بود که حول ابعاد شخصیتی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به گفتگو پرداختند.

آقای صفا هرندی ا تشخص مر حوم آیت‌ا... رفسنجانی در مبارزات انقلابی چه بود و چه نتایج‌ای با سایر مبارزین داشت؟

حقیقت امر این است که خاطرات نوجوانی و جوانی ما با نام بعضی از چهره‌ها و شخصیت‌ها گره خورده که مر حوم آقای هاشمی، از برجسته‌ترین آن‌هاست. می‌شود گفت اوایی که در دبیرستان حضور داشتیم، با کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار نوشته آقای هاشمی آشنا شدم و بعداً کتاب کارنامه سیاه یا سرگذشت فلسطین بود، نوشته «اکرم زعیتر» که ایشان آن را ترجمه کرده بودند. تا اوایل انقلاب ایشان کمتر به هاشمی معروف بودند. از زمانی که حزب جمهوری اسلامی تأسیس شده بود، بچه‌هایی که به حزب می‌رفتن، ایشان را با نام آقای هاشمی صدا می‌کردند و ما آنجا می‌فهمیدیم که آقای هاشمی همان آقای رفسنجانی است.

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب هم منتشر شد. آقای صفا هرندی پیام خیلی فوق‌العاده‌ای است!

به نظر من این پیام به‌جا آوردن حق رفاقت دیرینه و ۵۹ساله، یعنی از سال ۱۳۳۶ تا امروز بود. البته ما در خاطرات هر دو بزرگوار خوانده و به این سابقه متذکر بودیم، اما امشب برای من رمزگشایی شد. مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی که در حال ترک کرسی ریاست جمهوری بودند، حضرت آقا تعبیری به‌کار بردند که خیلی معروف شد و آن هم اینکه هیچ‌کس برای من هاشمی نمی‌شود. در این متن حضرت آقا به‌گونه دیگری به آن اشاره می‌کنند و فلسفه آن را هم می‌گویند.

این همه دوره پرفراز و نشیب و مبارزه در کنار دوره انقلاب و استقرار و از سرگذراندن سختی‌های جنگ و پس از آن، فرد دیگری را پیدا نمی‌کنیم که در همه این مراحل هم پای حضرت آقا طی کرده باشد. به عکس‌هایی که از ابتدای انقلاب به‌جامانده و ما هم از آن‌ها خاطره داریم، اشاره کردید. عکسی معروف وجود داشت که مر حوم شهید بهشتی، حضرت آقا و آقای هاشمی با هم در یک قاب و این سه‌گانه در اذهان جا گرفته بودند و پیوند و پیمان مستحکمی را که بین این سه شخصیت تأثیرگذار در انقلاب و پس از انقلاب وجود داشت، نشان می‌داد.

حزن و اندوه رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت ایشان در متن کاملا هویداست. ایشان در چند جای متن اشاره کردند که گویا با رفتن یکر فقیق دیرین تنها شدند. ما یاد فقیه و مجتهد که قطعا در مسائل مستحده تمهک ممکن است اجتهاد‌های مختلفی داشته باشند، مواجیم.

رابطه عاطفی اگر صرفاً مبتنی بر عواطف از جنس عواطف معمولی باشد، احتمال وارد آمدن خلل و گلابه‌کردن و دلخوری در آن وجود دارد، ولی این رابطه با چیز دیگری زمینه می‌شود و آن یک اعتقاد بنیادین دینی است. درست است آقای هاشمی رفیق آقا بود، ولی خود ایشان در همین صحبت‌های اخیر می‌گوید بالآخره ایشان رهبر است و ما رهرویم. وقتی این نگرش شد- با اینکه سن ایشان پنج سال از حضرت آقا بیشتر بود- ولی می‌دانستند رهبری نظام جمهوری اسلامی هم به‌اعتبار آنچه خبرگان به نظرشان رسید و تدبیر کردند و هم تدبیری که پیش از رحلت حضرت امام در جلسه‌ای که حضرت آقا و آقای هاشمی و بعضی از بزرگان نظام حضور داشتند، خود ایشان فرموده بودند آقای هاشمی وقتی می‌داند به لحاظ اعتقادی حضرت آقا در جایگاه نیابت امام عصر است و باید پیرو باشد، آن رابطه عاطفی با این موضوع عجب شده و حاصل آن تعبیر حضرت آقا می‌شود که علی‌رغم وسوسه‌های جریان‌های فاسد که بخش مهم آن از بیرون نظام و انقلاب بود و بخش دیگر آن عناصر مریض و حسود داخلی بودند. روز ۲۹ خرداد ۸۸ حضرت آقا تقریباً ۱۰ دقیقه در مدح آقای هاشمی صحبت می‌کنند.

ممکن است بعضی از جوان‌ترها علاقه‌مند باشند سوابق آقای هاشمی پیش و پس از انقلاب را به صورت مکتوب مطالعه کنند. آقای هاشمی از آن اشخاصی بودند که «روز نگاری» داشتند و اتفاقاتی که در طی روز برایشان رخ می‌داد، چه در دوران ریاست جمهوری



باشد. شخصیت‌های تأثیرگذار از کشور ما که در بیرون وجود دارند. از رهبری معظم انقلاب که بگذریم، شاید معادل آقای هاشمی کسی پیدا نشود که به‌عنوان یک چهره در ذهن و دل جهانی را که راجع به مفاضات می‌کند، به این ابعاد شخصیتی پیدا کرده باشند. منتها همان‌طور که آقای هاشمی می‌گفتند که غربی‌ها مثل گاو تحلیل می‌کنند، واقعا در این ارزیابی هم این‌ها گاهی اوقات دروت می‌زدند. گمانشان این بود که جدال فکری و نظری که بین شخصیت‌های روحانی ما وجود دارد، می‌تواند به‌توسیه‌های خوین منجر شود. تدارکی که این‌ها دیده بودند، از جنسی بود که در انقلاب‌های دیگر هم دیده شده بود و گاهی منجر به زو‌خوردها و قلع‌وقمع‌کردن‌های گروه‌های متقابل می‌شد. در حالی که در کشور ما این‌ها

وجه پیش و چه پس از آن یادداشت می‌کردند که در مجلدات متعددی منتشر شده و در اختیار همگان قرار دارد. این دست‌نوشته‌های آقای هاشمی، یکی از بهترین منابع مطالعاتی تاریخ انقلاب است. دوستانی را که علاقه‌مند هستند را بطره رهبر معظم انقلاب و آقای هاشمی را مطالعه کنند به کتاب «شرح اسبم» که آقای بهبودی تنظیم کردند، راجع می‌دهم.

برای نسل ما، شیرین‌ترین خاطرات از آقای هاشمی به دهه ۶۰ برمی‌گردد؛ زمانی که خطبه‌های تعیین‌کننده ایشان در جایگاه خطیب جمعه، شارژکننده روحیه افراد برای یک هفته بود. در ایامی که جریان نفاق و ضدانقلاب از هر طرف به افکار مردم هجومی داشتند و شبهه‌افکنی می‌کردند. از آن طرف جنگ بود و از طرف دیگر شلتاق‌های ایالت متحده و متحدا نش می‌کردی، بخشی از آن این بود که حق رفاقت را به‌جا نتوانمند ظاهر می‌شد. تعبیر جالب ایشان که غربی‌ها مثل گاو تحلیل می‌کنند، خاطره‌ای ماندنی در ذهن هم‌نسل‌های بنده است. یعنی ما از این بزرگواران این چیزها یاد گرفتیم.

بخشی از آن وسوسه‌ها و خناس‌گری‌ها از این جنس بود. وقتی آقای هاشمی به ریاست جمهوری پس از دوران جنگ برگزیده شدند و بعد از این بود که حضرت آقا به رهبری رسیدند، برداشت همه این بود که هیچ‌کس مناسب‌تر از آقای هاشمی برای مدیریت کشور در آن مقطع در بخش اجرا نخواهد بود. انصافاً هم ایشان قیراق و سر حال و چابک بودند. خبرهایی که داشتیم، این بود که ایشان خیلی کارها انجام می‌داد و حق ریاست جمهوری را ادا می‌کرد.

حالا یک رئیس جمهور ممکن است مانند اداری‌ها رفتار کند. آقای هاشمی معروف بود صبح زود به سر کار می‌آید و تا پاسی از شب زحمت می‌کشید. آن‌زمان جریان خبیث غربی در رسانه‌های خود‌القای دوتیبت می‌کردند و می‌گفتند چون دوره امام گذشت مسئله رهبری در ایران تجزیه شده است. یک رهبری سیاسی است که آقای هاشمی عهده‌دار آن می‌شود

مخالفان آقای هاشمی در دهه ۶۰ ضد انقلاب بودند، یعنی اگر کسانی علیه آقای هاشمی حرف می‌زدند، به‌اعتبار این بود که آقای هاشمی یک چهره مؤثر در کنار امام است و تیرهایی که قرار بود به سمت امام‌رها شود، به اطرافیان امام می‌خورد. در مقطعی وقتی رد این افراد ارتعقب می‌گویم، می‌بینم این افراد گاهی در قیافه دوست و رفیق آقای هاشمی ظاهر شدند، درحالی که هیچ قرابت فکری نداشتند، چون آقای هاشمی که تغییر نکرده بود و اگر کسانی موضعی از طرف ایشان بیان می‌کنند، این یک فتنه و دام است. به‌نظر من آتش تهیه‌ای که بعضی رندانه ریختند و آقای هاشمی را مورد حمله قرار دادند، مقدمه‌ای بود برای اینکه پیام‌های جدید دریافت کنند و می‌خواستند تصویر دیگری از آقای هاشمی به جامعه ارائه شود. در دوران دوم خرداد ۷۶ ناجوانمردانه ایشان را مورد حمله قرار دادند. تعابیر، خیلی تندتر از این بود که صرفاً بگویم در فضای سیاسی احیاناً متلکی گفته می‌شود؛ خیر، تشبیه ایشان به یکی از سردمداران قتل و غارت و دسیسه‌هایی از موارد بود، آن وقت می‌بینم مدتی بعد همین‌ها رخت دوستی و رفاقت با ایشان را بر تن و نظاهر به دوستی با ایشان می‌کنند. این را از باب تنقیض نمی‌گویم و بیشتر از باب مدح آقای هاشمی می‌گویم. در دهه ۶۰ کسانی بودند که اراجیس فر هم می‌کردند و به‌هر ساختمان بزرگی که می‌رسیدند، می‌گفتند این برای آقای هاشمی است؛ درحالی‌که دروغ بود و چنین چیزی واقعیت نداشت.

نمی‌دانند چهره‌های شاخص روحانی ما، چون به یک عنصری به‌اسم خداترسی هم مجهز هستند، اگر امروز به‌سرکله هم‌بزنند و مباحثات تندی هم داشته باشند، وقت‌نماز که بشود، یکی جلومی‌ایستند، بقیه اقتدا می‌کنند که آن‌صحنه‌را صحنه غیرطبیعی یکی از دوستان می‌گفت در منزل مر حوم آیت‌ا... مشکینی بودیم که مر حوم آیت‌ا... میانجی هم آنجا حضور داشت و عده دیگری از فقها و علما که از علمای طراز اول حوزه و نظام بودند هم حضور داشتند و یک بحث فقهی حکومتی بین این‌ها رخ داد.

آن فردی که تعریف می‌کرد، می‌گفت من عوام ترسیده بودم که الان به‌مرحله دست‌به‌بقیه می‌رسد. آن‌طوری که این‌ها تند با هم صحبت می‌کنند، باید شاهد نزاع سخت این بزرگواران باشیم. وقت نماز

حجت‌الاسلام رئیسی تولیت آستان قدس رضوی رابطه صمیمانه هاشمی بارهبری، توطئه‌خاسان را خنثی کرد

سال‌هاست که دشمنان و جریان‌های خناس تلاش دارند در کشور اختلاف و تفرقه ایجاد کنند و در این میان برای ایجاد زاویه میان آیت‌ا... هاشمی و رهبر معظم انقلاب بسیار دسیسه کردند؛ اما تاد ابیر رهبری معظم و سپس عشق و علاقه وافر آیت‌ا... هاشمی به جایگاه ولایت، همه آن‌ها را خنثی کرد.

آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی: عالمی بزرگوار و مجاهدی پرتلاش

این مجاهد پرتلاش در دوران تنگنا و مبارزات ضدستش‌شاهی همراه و در دوران دشواری از پیروزی انقلاب کنار امام خمینی (ره) بود و پس از ارتحال امام عظیم‌الشأن انقلاب نیز اقدام بسیار ارزشمند، بزرگ و تأثیرگذاری را در مجلس خبرگان رهبری برای حفظ روند رشد و تعالی انقلاب با تعیین شایسته رهبری انجام داد. نطق آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی در جلسه مجلس خبرگان برای تعیین رهبری پس از ارتحال امام خمینی (ره) فراموش‌نشده‌ی، درخور توجه و تأمل‌برانگیز است. بعد از آن جریان نیز آیت‌ا... رفسنجانی همواره در جلسات خصوصی و عمومی این جمله را بر زبان می‌راندند که «من زیر این آسمان کبود هیچ‌کسی را به لیاقت آیت‌ا... خامنه‌ای برای اداره این کشور و نظام نمی‌شناسم»، همچنین بارها این بحث را مطرح می‌کردند که «در این نظام آنچه می‌شناختم، آن است که امور باید با محوریت ولایت‌فقیه و رهبری دنبال شود.»

تبعیت از جایگاه ولایت فقیه

تبعیت آیت‌ا... هاشمی از جایگاه ولایت‌فقیه در دوران امام خمینی (ره) و رهبری معظم انقلاب تأمل‌برانگیز و درخور توجه است. توجه ایشان نسبت به جایگاه ولایت‌فقیه در دوران امام‌را حل (ره) و هدایت‌های مقام معظم رهبری که حقیقتاً هدایت‌های ایشان برای کشور بصیرت‌آفرین است، شایان توجه بود و امیدواریم که تشیع پیکر ایشان نیز تشیع وحدت‌بخشی برای کشور باشد. پس از رحلت امام عظیم‌الشأن (ره)، خناسان، بسیار تلاش کردند که میان افراد مؤثر در انقلاب اختلاف ایجاد کنند. آیت‌ا... هاشمی یکی از اهداف خناسان برای ایجاد تفرقه در نظام بود؛ اما آنچه توانست علی‌رغم تمام اختلاف‌نظرها و اجتهاد‌های متفاوت، همواره ایشان را در کنار مقام معظم رهبری قرار دهد، ابتدا تدابیر توأم با بصیرت رهبری معظم انقلاب و سپس محبت، عشق و علاقه وافر آیت‌ا... هاشمی به معظم‌له بود.

جلسات دوره‌ای آیت‌ا... هاشمی بارهبری معظم انقلاب

ایشان به‌صورت هفتگی یا پانزده روز یک‌بار در جلساتی صمیمی که با آیت‌ا... خامنه‌ای داشتند، بسیاری از موارد، مسائل و موضوعات را با رهبری معظم انقلاب در میان می‌گذاشتند و معظم‌له نیز با سه‌صدر گوش می‌دادند و بسیاری از مسائل در همین جلسات برطرف می‌شد. دشمنان همواره به‌دنبال توطئه و ایجاد فتنه در کشور هستند. از همان لحظات ابتدایی که خبر فوت آیت‌ا... هاشمی مخابره شد، رسانه‌های بیگانه شیطنت‌های خود را آغاز کردند و این موضوع برای مسئولان کشور یک درس عبرت است تا بدانند دشمن از هر شرایطی برای توطئه و ایجاد فتنه در کشور استفاده می‌کند؛ اینجاست که دلیل تأکیدات رهبری معظم درباره داشتن بصیرت مشخص می‌شود. بصیرت یعنی انسان شرایط کشور را بشناسد و به حیل‌ها و توطئه‌های دشمن آگاه باشد. با روند وحدت‌بخشی که به‌برکت بصیرت‌آفرینی رهبری معظم انقلاب در جامعه ایجاد شده است، امیدواریم کشور بتواند با سرعتی بیش از پیش مسیر تکامل و پیشرفت را طی کند.